



Positive Psychology Research

Positive Psychology Research
E-ISSN: 2476-3705
Vol. 7, Issue 4, No.28, winter 2022, P:71-86
Received: 14/08/2020 Accepted: 12/03/2022

Research Article

Comparing the Effectiveness of Training Program of Treating with Children of Divorced Mothers Specified for Mothers and Intervention Program Specified for Children of Divorce on Resilience of Divorce Children

Maedeh Bazargan: PhD student in General Psychology, Department of Psychology, Najafabad Branch, Islamic Azad University, Najafabad, Iran.
bazarganmaedeh@gmail.com

Akram Dehghani :* Assistant professor in psychology, Department of Psychology, Najafabad Branch, Islamic Azad University, Najafabad, Iran.
ddehghani55@yahoo.com

Zohreh Raisi: Assistant professor in psychology, Department of Psychology, Najafabad Branch, Islamic Azad University, Najafabad, Iran.
Z.tadbir@yahoo.com

Abstract

Improving children's capacity to deal effectively with the consequences of divorce is considered. This study aimed to compare the effectiveness of training protocol for treating children of divorce for mothers and intervention programs for children of divorce on the resilience of divorce children. The method of the present study was quasi-experimental with pre-test, post-test, and three-month follow-up. From divorced mothers referred to a clinic in Tehran for parent training in 2021, 45 were selected by available sampling. Fifteen children in the special program for children of divorce, 15 mothers in the training protocol for treating children of divorce for the mothers, and 15 mothers in the control group participated. The research instruments included the Ungar and Liebenberg resilience scales. The special intervention of mothers was performed in 12 sessions (each was 45 minutes), and the special intervention program for children was performed in 15 sessions (each was 45 minutes). The control group did not receive any intervention during the study. A mixed analysis of variance was used to analyze the data. The results showed that both interventions had a significant effect and stability on the two components of resilience (individual and relationship with caregivers) but did not significantly affect the context component of resilience. The results also showed no significant difference in the effectiveness of the two interventions. The results showed that with the participation of mothers or children in divorce intervention, it is possible to improve the resilience of children's divorce situation.

Keywords: children of divorce intervention program, maternal training protocol for treating with children of divorce mothers, resiliency

*, Corresponding author



مقاله پژوهشی

مقایسه اثربخشی برنامه آموزشی رفتار با کودکان طلاق ویژه مادر و برنامه مداخله ویژه کودکان طلاق بر تاب‌آوری کودکان طلاق

مأده بازرگان: دانشجوی دکتری روانشناسی عمومی، گروه روانشناسی، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران.

bazarganmaedeh@gmail.com

اکرم دهقانی*: استادیار گروه روانشناسی، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران.

ddeghani55@yahoo.com

زهره رئیسی: استادیار گروه روانشناسی، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران.

Z.tadbir@yahoo.com

چکیده

بهبود ظرفیت‌های کودکان برای مقابله کارآمد با پیامدهای طلاق مدنظر است. این پژوهش با هدف مقایسه اثربخشی برنامه آموزشی رفتار با کودکان طلاق ویژه مادر و برنامه مداخله ویژه کودکان طلاق بر تاب‌آوری کودکان طلاق انجام شد. روش پژوهش حاضر، نیمه‌آزمایشی با طرح پیش‌آزمون، پس‌آزمون و پیگیری سه‌ماهه بود. از مادران مطلقه مراجعه‌کننده به کلینیکی در شهر تهران برای آموزش فرزندپروری در سال ۱۳۹۹ تعداد ۴۵ نفر از آنها به‌صورت نمونه‌گیری دردسترس انتخاب شدند. ۱۵ کودک در گروه مداخله برنامه ویژه کودکان طلاق، ۱۵ مادر در برنامه آموزشی رفتار با کودکان طلاق ویژه مادر و ۱۵ مادر در گروه کنترل حضور داشتند. ابزار پژوهش شامل مقیاس تاب‌آوری انگار و لینبرگ بود. مداخله ویژه مادران به مدت ۱۲ جلسه ۴۵ دقیقه‌ای و برنامه مداخله ویژه کودکان در ۱۵ جلسه ۴۵ دقیقه‌ای اجرا شد. گروه کنترل هیچ مداخله‌ای در مدت اجرای پژوهش دریافت نکرد. از تحلیل واریانس آمیخته برای تحلیل داده‌ها استفاده شد. نتایج نشان دادند هر دو مداخله بر دو مؤلفه تاب‌آوری (فرد و رابطه با مراقبان) اثربخشی معنادار و پایداری دارند؛ ولی بر مؤلفه زمینه تاب‌آوری اثربخشی معناداری ندارند. همچنین، نتایج حاکی از نبود تفاوت معنادار در اثربخشی دو مداخله بود. نتیجه پژوهش بیان‌کننده این بود که با مشارکت مادر یا کودکان در مداخله طلاق می‌توان برای بهبود تاب‌آوری کودکان طلاق اقدام کرد.

واژه‌های کلیدی: برنامه آموزشی رفتار با کودکان طلاق ویژه مادر، برنامه مداخله ویژه کودکان طلاق، تاب‌آوری

مقدمه

طلاق پدیده‌ای است که برای قطع قانونی رابطه زناشویی برقرار شده که همراه با لغو یا سازماندهی مجدد وظایف و مسئولیت‌های قانونی ازدواج است (Odey & Ubi, 2020). روند طلاق یک اپیدمی جهانی رو به افزایش است (Abalos, 2017; Afroz, 2019; Mekonnen et al., 2019). در ایران نیز چنین روندی مشاهده می‌شود و افزایش نرخ طلاق مهم‌ترین شاخص برای افزایش نرخ کودکان طلاق محسوب می‌شود (Yahyazadeh & Hamed, 2016). فارغ از دلایل طلاق مراقبت از کودکان با توجه به آسیب‌پذیر بودن آنها در مقابل طلاق دغدغه مهم مسئولان مراقبت از سلامت افراد جامعه است (Mekonnen et al., 2019). در همین رابطه نشان داده شد که تاب‌آوری متغیری است که می‌تواند به منزله عامل محافظتی از سلامت فرد در رویدادهای تنش‌آور مانند طلاق محافظت کند (Theiss, 2018). وایشناوی و همکاران (Vaishnavi et al., 2003) بر این باورند که تاب‌آوری، فقط استقامت در برابر شرایط مخاطره‌آمیز نیست، بلکه شامل مشارکت فعال و کارآمد در محیط نیز می‌شود و به‌طور کلی بیان می‌کنند تاب‌آوری، ویژگی‌های شخصی را به وجود می‌آورد که باعث می‌شود فرد بتواند در مواجهه با مشکلات رشد کند. تاب‌آوری ظرفیت کودک برای انطباق موفقیت‌آمیز با چالش‌هایی تعریف شده است که عملکرد، بقا یا رشد آینده او را تهدید می‌کنند (Masten & Barnes, 2018). منابع درونی مانند داشتن مهارت‌های مانند حل مسئله و مقابله سازگار (Mohammadinia et al., 2019; Pasyar et al., 2018) و منابع بیرونی مانند حمایت اجتماعی (Eskandari et al., 2019; Costa et al., 2017)، می‌توانند به افزایش تاب‌آوری منجر شوند. به نظر می‌رسد در کودکان طلاق مواردی همچون از

دست دادن حمایت دو والد، یادآوری خاطرات آسیب‌زای مرتبط با طلاق والدین و مشکلاتی در تنظیم هیجان، از جمله مواردی‌اند که به کاهش تاب‌آوری کودکان منجر می‌شود (Hutauruk et al., 2019; Karela & Petrogiannis, 2018). همچنین، به نظر می‌رسد تاب‌آوری در فرزندان طلاق به بهبود عملکرد اجتماعی منجر می‌شود (Saraswati & Suleeman, 2018). همچنین، تاب‌آوری می‌تواند با افزایش خودشفقتی^۲ در میان فرزندان طلاق همراه شود (Hermansyah, 2019). بر همین اساس توصیه شد که مداخلاتی برای بهبود تاب‌آوری به‌عنوان یک عامل محافظت‌کننده از کودکان در مقابل پیامدهای طلاق شایان توجه قرار گیرد (Hutauruk et al., 2019; Luthar & Eisenberg, 2017).

یکی از این مداخله‌ها، پروتکل آموزشی رفتار با کودکان طلاق و ویژه مادر است که به‌تازگی غلامی و همکاران (Gholami et al., 2019) تهیه و منتشر کردند. در این پروتکل ابتدا براساس تحقیقات و مبانی نظری موجود، اساسی‌ترین مشکلات کودکان طلاق مشخص شد، سپس به تهیه یک پروتکل شامل پنج مؤلفه سازگاری^۳، اضطراب^۴، نیاز عاطفی^۵، خشم^۶ و احساس گناه^۷ اقدام شد. با ارائه این مداخله، مادران باید توانایی این را داشته باشند که با آگاهی لازم نسبت به کودکان عمل کنند، نیازهای عاطفی کودک را تأمین کنند و بتواند احساس گناه، خشم و اضطراب کودک و عواقب ناشی از این ویژگی را مدیریت و به حداقل برسانند. اگرچه سازندگان پروتکل در پژوهش خود نشان داده‌اند پروتکل آموزشی طراحی شده با تغییر مثبت رفتار مادران کودکان طلاق، باعث بهبود وضعیت

² self-compassion

³ training protocol for treating with children of divorce for mothers

⁴ adjustment

⁵ anxiety

⁶ emotional need

⁷ anger

⁸ guilt

¹ divorce

روانی این کودکان می‌شود، پژوهش‌های بعدی برای بررسی اثربخشی آن صورت نگرفته است که این خلاء پژوهشی است؛ با این حال، نتایج پژوهش قبلی هم‌راستا با این پروتکل نشان می‌دهند سازگاری (Nunes-Costa et al., 2009; Zemp et al., 2018)، اضطراب (Phares, 2020; Tahirović & Demir, 2017)، نیاز عاطفی (Sadri Damirchi et al., 2018; Zamani-Zarchi et al., 2018)، خشم (Motataianu, 2015) و احساس گناه (Johnsen et al., 2018; Sorek, 2019) از جمله پیامدهای مهم طلاق والدین برای کودکان هستند که می‌توانند وضعیت روانی کودک و ظرفیت‌های رشد او را مختل کنند. همچنین، پژوهش‌های دیگری وجود دارند که نشان می‌دهند مداخله‌های مبتنی بر آموزش والدین با تأکید بر مؤلفه‌های مانند بهبود رابطه والد - کودک، بهبود سازگاری و هیجان کودک به بهبود بهزیستی و سازگاری کودکان طلاق منجر شده‌اند (Klein Velderman et al., 2018; McIntosh & Tan, 2017; Shanholtz et al., 2017).

برنامه مداخله‌ای برای کودکان طلاق 'برنامه دیگری است که مستقیماً با آموزش به کودکان طلاق سروکار دارد. نخستین بار پدور - کارول و کاوون (Pedro-Carroll & Cowen, 1985) این مداخله را مطرح کردند. این مداخله یک برنامه پیشگیری مداخله‌ای است که بر عوامل حمایتی مرتبط با تاب‌آوری در کودکان بعد از طلاق تمرکز دارد. هدف اولیه برنامه این است که محیط گروهی حمایت‌گری بسازد که کودکان بتوانند در آن، پیوندهای مشترک ایجاد کنند و کسب مهارت‌هایی را تسهیل کند که مقابله با تغییرات تنش‌زای طلاق را افزایش می‌دهد. دو جز اساسی و اصلی این برنامه عبارت‌اند از: ۱- کاهش تنیدگی ناشی از طلاق والدین با ایجاد یک فضای حامی و مطمئن برای اعضای گروه و ۲- آموزش مهارت‌های مورد نیاز

به کودکان برای مقابله مؤثر با تغییرات و چالش‌های ناشی از طلاق والدین (Pedro-Carroll, 2008). کلین‌ولدرمن و همکاران (Klein Velderman et al., 2018) نیز در هلند نشان دادند استفاده از این مداخله توانسته است عملکرد کودک و مادر را بهبود بخشد. در مطالعه‌ای دیگر نشان داده شد که برنامه مداخله‌ای برای کودکان طلاق کمک می‌کند کودکان طلاق نحوه ابراز هیجان‌ها، حل مشکلات مربوط به طلاق و عضویت در سیستم حمایت از همسالان را یاد بگیرند (Senko, 2016). در ایران نیز نتایج برخی از پژوهش‌ها نشان می‌دهند اجرای برنامه مداخله‌ای برای کودکان طلاق به بهبود سازگاری و مشکلات رفتاری درونی و بیرونی در کودکان طلاق منجر می‌شود (Abdi et al., 2015; Hoseini Yazdi et al., 2014).

درمجموع، به نظر می‌رسد برنامه آموزشی رفتار با کودکان طلاق ویژه مادر که غلامی و همکاران (Gholami et al., 2019) ارائه کردند، اثربخشی ابتدایی خود را نشان داده است؛ با این حال، اثربخشی آن در پژوهش‌های بعدی برای اطمینان از نتایج به‌دست‌آمده و عدم سوگیری در نتایج گزارش‌شده از سازندگان مداخله، بررسی نشده است. رفع این خلأ یکی از مسائل مدنظر پژوهش حاضر است. همچنین، پروتکل ارائه‌شده از غلامی و همکاران (Gholami et al., 2019) با آموزش والدین سروکار دارد؛ بنابراین، مقایسه آن با یک مداخله که با آموزش کودک سروکار دارد، در تعیین اثربخشی بیشتر هر یک از این مداخله‌ها بر تاب‌آوری کودکان طلاق مفید است؛ بنابراین، سؤال پژوهش بدین صورت است که آیا بین اثربخشی برنامه آموزشی رفتار با کودکان طلاق ویژه مادر و برنامه مداخله ویژه کودکان طلاق بر تاب‌آوری کودکان طلاق تفاوت وجود دارد.

روش

روش پژوهش حاضر، نیمه‌آزمایشی با طرح پیش‌آزمون، پس‌آزمون و پیگیری سه‌ماهه بود. جامعه

¹ Children of Divorce Intervention Program (CODIP)

آماري شامل تمام کودکانی بود که در سنین ۹ تا ۱۲ سال قرار داشتند و والدین آنها طلاق گرفته بودند و کودک تحت حضانت مادر بود. از لحاظ مکانی و زمانی جامعه آماری شامل مادران مطلقه مراجعه کننده به کلینیک مشاوره و روانشناسی در شهر تهران برای آموزش فرزندپروری در سال ۱۳۹۹ بود. با در نظر گرفتن حجم نمونه دست کم ۱۵ نفر برای هر گروه (Queen et al., 2002, p 157) از جامعه آماری، تعداد ۴۵ نفر از آنها به صورت نمونه گیری در دسترس انتخاب شدند. نمونه گیری بدین صورت بود که به مراجعه کنندگان به کلینیک مشاوره و روانشناسی توضیح مختصری درباره هدف پژوهش و شرایط حضور در پژوهش ارائه می شد و از میان کسانی که شرایط ورود به پژوهش را داشتند و فرم رضایت آگاهانه را پر کردند، ۴۵ نفر، انتخاب و به صورت تصادفی در سه گروه گمارده شدند. درخور ذکر است در گروه مداخله برنامه ویژه کودکان طلاق ۱۵ کودک شرکت کردند، در برنامه آموزشی رفتار با کودکان طلاق ویژه مادر، ۱۵ نفر از مادران شرکت کردند و با توجه به اینکه مادران مقیاس تاب آوری انگار و لینبرگ (Ungar & Liebenberg, 2009) را پاسخ دادند، در گروه کنترل ۱۵ مادر حضور داشتند که در مراحل پیش آزمون، پس آزمون و پیگیری به مقیاس تاب آوری کودک پاسخ دادند. شرایط ورود به پژوهش عبارت بودند از: محدوده سن کودک ۹ تا ۱۲ سال، انجام طلاق قانونی والدین آنها، زندگی کردن کودک با والد مادر، عدم ابتلای کودک و مادر به بیماری مزمن یا معلولیت جسمانی جدی یا اختلال های عمده محورهای روانپزشکی (طبق اظهار نظر مادران)، حداکثر مدت طلاق والدین ۱ سال، عدم ازدواج مجدد، دامنه سن مادر بین ۳۰ تا ۵۰ سال، مدت زمان تأهل دست کم ۱۰ سال و دارای دست کم یک فرزند. همچنین، ملاک های خروج عبارت بودند از: غیبت در دو جلسه متوالی یا سه جلسه متناوب از مداخله، درخواست برای خروج از

پژوهش در حین اجرای پژوهش، عدم پاسخگویی به دست کم ۵ درصد از گویه های پرسشنامه های پژوهش، بروز مواردی چون ازدواج مجدد والدین یا بروز اتفاق ناخوشایندی مانند فوت شدن والدین یا وابستگان درجه یک (خواهر، برادر). علاوه بر برگه حاوی اطلاعات جمعیت شناختی، از یک پرسشنامه برای جمع آوری اطلاعات در مراحل پیش آزمون، پس آزمون و پیگیری استفاده شد که در ادامه معرفی شده است.

ابزار سنجش: مقیاس تاب آوری انگار و لینبرگ^۱
(Ungar & Liebenberg, 2009): این آزمون با هدف سنجش منابع تاب آوری است که انگار و لینبرگ در سال ۲۰۰۹ طراحی کردند. آزمون استفاده شده شامل ۲۸ ماده است که پاسخ دهندگان میزان توافق شان را با هر کدام از گویه ها در مقیاس لیکرت از دامنه اصلاً= ۱ تا خیلی زیاد= ۵ نشان می دهند. این پرسشنامه شامل سه زیرمقیاس فردی (سؤالات ۲، ۴، ۸، ۱۱، ۱۴، ۱۵، ۱۸، ۲۰، ۲۱، ۲۵)، ارتباطی (سؤالات ۳، ۵، ۶، ۷، ۱۲، ۱۷، ۲۴، ۲۶) و زمینه ای (۱، ۹، ۱۰، ۱۳، ۱۶، ۱۹، ۲۲، ۲۳، ۲۷، ۲۸) است. انگار و لینبرگ (Ungar & Liebenberg, 2009) ضمن تأیید روایی سازه مدل سه عاملی پرسشنامه، پایایی آزمون را به روش آلفای کرانباخ بین ۰/۶۵ تا ۰/۹۱ به دست آورد. در ایران کازرونی زند و همکاران (Kazeruni Zand et al., 2013) برای بررسی روایی هم زمان مقیاس تاب آوری کودکان و نوجوانان در دانش آموزان از پرسشنامه عوامل حمایت کننده فردی اسپینگر و فیلیپس استفاده کردند. نتایج نشان دادند همبستگی بین نمره کل مقیاس تاب آوری کودکان و نوجوانان و زیرمقیاس های آن و نمره پرسشنامه عوامل حمایت کننده فردی و خرده مقیاس های آن در دامنه ۰/۴۶ تا ۰/۸۵، مثبت و معنی دار بود ($P < 0/01$). همچنین، پایایی آزمون به

¹ Ungar & Liebenberg Resiliency Scale

² individual

³ communication

⁴ context

کد اخلاق IR.IAU.KHSH.REC.1400.048 مصوب شد، اصل رضایت آگاهانه درباره اهداف، روش کار، مدت زمان و چگونگی انجام پژوهش، توضیحات لازم به مراقبان، ارائه و فرم رضایت آگاهانه آنان جلب شد، اصل رازداری و رعایت حریم خصوصی اطلاعات شرکت کنندگان به صورت محرمانه انجام شد و یافته‌های حاصل از پژوهش به صورت کلی و بدون ذکر نام منتشر شد. برای انجام تجزیه و تحلیل آماری از نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۵ استفاده شد. برای تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش از تحلیل واریانس آمیخته و آزمون تعقیبی بن فرونی استفاده شد.

خلاصه مداخله برنامه رفتار مادر با کودک طلاق که غلامی و همکاران (Gholami et al., 2019) براساس تحقیقات و مبانی نظری موجود درباره اساسی‌ترین مشکلات کودکان طلاق تهیه کردند، ارائه شد. در این مداخله به پنج مؤلفه سازگاری، اضطراب، نیاز عاطفی، خشم و احساس گناه کودک طلاق توجه شده است. این مداخله به مدت ۱۲ جلسه و هر جلسه به مدت ۴۵ دقیقه برای گروه آزمایش مادران و در هر هفته یک جلسه اجرا شد.

روش آلفای کرونباخ بین ۰/۷۱ تا ۰/۸۵ و به روش دومیه کردن بین ۰/۶۶ تا ۰/۸۰ به دست آمد. در پژوهش حاضر، آلفای کرونباخ به دست آمده برای زیرمقیاس‌های فردی، ارتباطی و زمینه‌ای به ترتیب ۰/۷۴، ۰/۸۱ و ۰/۷۷ به دست آمد.

روش اجرا و تحلیل: پس از جلب نظر مادران و کودکان مدنظر، تمامی افراد واجد شرایط، غربالگری و نمونه مدنظر انتخاب شدند. پیش‌آزمون با استفاده از پرسشنامه مقیاس تاب‌آوری آنگار و لینبرگ (Ungar & Liebenberg, 2009) قبل از شروع جلسات انجام شد و از میان ۴۵ نفر شرکت‌کننده، گروه‌بندی صورت گرفت. جلسات مداخله در کلینیکی واقع در شهر تهران در سال ۱۳۹۹-۱۴۰۰ اجرا شد. پس از اجرای برنامه‌های مداخله هر دو گروه، پس‌آزمون با مقیاس تاب‌آوری به عمل آمد. والدین این پرسشنامه را منحصراً تکمیل کردند که در زمان اجرای مداخله سرپرستی کودک را بر عهده دارند. همچنین، برای دنبال کردن نتایج، دو ماه بعد از آخرین جلسه آموزشی، پرسشنامه‌ها مجدداً در مرحله پیگیری تکمیل شدند. از جمله ملاحظات اخلاقی پژوهش حاضر عبارت بودند از: کمیته اخلاق، اطلاعات آموزشی در هر دو بسته مداخله‌ای را بررسی کرد و با

جدول ۱. خلاصه مداخله برنامه رفتار مادر با کودک طلاق اقتباس از غلامی و همکاران (Gholami et al., 2019)

Table 1. Summary of mother-child divorce program intervention (Gholami et al., 2019)

جلسه	محتوای جلسه
اول	آشنایی شرکت‌کنندگان و برقراری رابطه، آشنایی با روش کار و ساختار جلسات. اجرای پیش‌آزمون. تبیین طلاق و آسیب‌های آن برای زوجین و به‌خصوص کودکان. تبیین تأثیر طلاق و آسیب‌های آن بر کودکان سنین ۶ تا ۱۲ سال.
دوم	سازگاری را تعریف کند. ابعاد مختلف سازگاری را بیان کند. تبیین عوامل مؤثر سازگاری کودک با طلاق. ارائه راهکار افزایش سازگاری.
سوم	تعریف حل مسئله را بداند. مراحل حل مسئله را بداند. تمرین مهارت حل مسئله.
چهارم	اضطراب چیست. عوامل زمینه‌ساز ایجاد اضطراب را بداند. پیامدهای اضطراب را بداند.
پنجم	ریلکسیشن چیست. راهبرد آرمیدگی عضلانی بیان شود. راهبرد تنفس عمیق را بداند. توانایی انجام آرمیدگی عضلانی و تنفس عمیق را داشته باشد.
ششم	خشم چیست. آشنایی با علت خشم. پیامدهای منفی خشم و تأثیرات خشم بر کودکان را بداند. شناخت موقعیت خشم و افکار منطقی جایگزین.
هفتم	شناخت موقعیت و افکار غیر منطقی در موقعیت خشم، بیان جایگزین کردن افکار منطقی مناسب، آموزش مهارت صحبت کردن و گفت‌وگوی مؤثر.
هشتم	احساس گناه چیست. تبیین دلایل ایجاد احساس گناه. نشانه‌های احساس گناه در کودک چیست. آموزش سبک فرزندپروری.
نهم	شیوه‌های فرزندپروری چیست. ارائه راهکار کاهش احساس گناه در کودک.
دهم	نقش خانواده در نیاز عاطفی را بداند. نیاز عاطفی چیست. تبیین آثار عاطفی طلاق بر کودک. تبیین نیاز عاطفی کودک طلاق.
یازدهم	بیان نیاز عاطفی کودک. آموزش نیازهای عاطفی به مادران.

دوازدهم مرور مختصری بر جلسات گذشته را بیان کند. بتوانند یک مسئله را با استفاده از مهارت‌های فراگرفته تحلیل کنند.

در ادامه و در جدول ۲ برنامه مداخله ویژه کودکان طلاق ارائه شده است. پدور – کارول و کاون (Pedro-Carroll & Cowen, 1985) این برنامه را برای پیشگیری از مشکلات طلاق در کودکان مبتنی بر عوامل حمایتی و تاب‌آوری تدارک دیده‌اند. این برنامه به مدت ۱۵ جلسه به مدت ۴۵ دقیقه و هر هفته یک جلسه برای گروه آزمایش کودکان اجرا شد.

جدول ۲. خلاصه مداخله برنامه مداخله ویژه کودکان طلاق اقتباس از پدور – کارول و کاون (Pedro-Carroll & Cowen, 1985)

جلسه	محتوای جلسه
اول	معرفی کودک به گروه و ایجاد یک محیط امن و با ثبات، توضیح هدف گروه.
دوم	شناسایی احساسات همراه با ایجاد یک فرهنگ لغات احساسی برای معرفی مفاهیمی مثل همگانی‌بودن و پذیرفته‌بودن همه احساسات.
سوم	صحبت کردن درباره مفهوم خانواده و انواع آن.
چهارم	به کار بردن کلمات و مفاهیم احساسی درباره تجارب طلاق با هدف ارتقای بینش، بروز و پذیرش چنین احساساتی.
پنجم	معرفی گام‌های حل مسئله و تمرکز بر ایجاد راه‌حل‌های متنوع برای یک مشکل.
ششم	تأکید بر ایجاد راه‌حل‌های بیشتر، پیش‌بینی پیامدها و ارزیابی آنها.
هفتم	به کارگیری گام‌های حل مسئله مطرح‌شده درباره موضوعات مرتبط با طلاق.
هشتم	تمایز قائل شدن بین مشکلاتی که کودکان می‌توانند حل کنند و مشکلات که از کنترل آنها خارج است با هدف تشویق برای درگیر شدن در فعالیت‌های متناسب با سن و دوری از مشکلات حل‌نشده.
نهم	تقویت مهارت‌های حل مسئله آموزش داده شده برای مشکلات واقعی با بازی و ایفای نقش.
دهم	کاوش احساسات شخصی کودکان درباره طلاق و حواشی آن با تأکید بر احساسات نسبت به والدین.
یازدهم	تمرکز بر مسئله رابطه والد – کودک و درک احساسات متقابل والدین با بازی و ایفای نقش.
دوازدهم	مرور و تثبیت مفاهیم اصلی برنامه و کاوش بیشتر مسئله رابطه والد و کودک.
سیزدهم	ارتقای برداشت‌های کودک از خود و دیگران با پرسش و پاسخ و ایفای نقش.
چهاردهم	تمرکز بر نقاط قوت و منحصربه‌فرد هر کودک به عنوان عضو گروه.
پانزدهم	بررسی تجارب و احساسات کودک نسبت به گروه، معرفی کسانی که می‌توانند بعد از گروه به کودکان کمک کنند، برگزاری جشن پایان.

یافته‌ها

خانه‌دار و ۹ نفر شاغل بودند. نتایج آزمون کای اسکوتر نشان دادند بین سه گروه از لحاظ وضعیت اشتغال تفاوت معناداری وجود ندارد ($p = ۰/۵۳$). همچنین، برای گروه مداخله ویژه مادر میانگین و انحراف استاندارد سن مادر، سن فرزند و مدت طلاق (به ماه) به ترتیب $۳۳/۸۰ \pm ۱/۵۷$ ، $۱۰/۳۳ \pm ۱/۱۷$ و $۷/۴۰ \pm ۲/۹۰$ ، برای گروه مداخله ویژه کودک به ترتیب $۳۳/۹۳ \pm ۴۴/۱$ ، $۱۰/۴۷ \pm ۱/۱۰$ و $۶/۸۰ \pm ۳/۰۷$ و برای گروه کنترل به ترتیب $۳۳/۶۰ \pm ۱/۱۸$ ، $۱۰/۴۷ \pm ۱/۱۲$ و $۷/۵۳ \pm ۲/۷$ بود و نتایج آزمون تحلیل واریانس چندمتغیره نشان دادند بین سه گروه در این موارد

فراوانی سطح تحصیلات دیپلم، کارشناسی و کارشناسی ارشد برای گروه مداخله ویژه مادر به ترتیب ۴، ۶ و ۵، برای گروه مداخله ویژه کودک به ترتیب ۴، ۷ و ۴ و برای گروه کنترل به ترتیب ۳، ۷ و ۵ بود. نتایج آزمون کای اسکوتر نشان دادند بین سه گروه از لحاظ فراوانی سطح تحصیلات تفاوت معناداری وجود ندارد ($p = ۰/۹۱$)

برای گروه مداخله ویژه مادر ۵ نفر خانه‌دار و ۱۰ نفر شاغل بودند، برای گروه مداخله ویژه کودک ۸ نفر خانه‌دار و ۷ نفر شاغل بودند و برای گروه کنترل ۶ نفر

تفاوت معناداری وجود ندارد ($p=0/91$). قبل از بررسی سؤال پژوهش، ابتدا پیش فرض نرمال بودن داده‌ها با آزمون شاپیرو ویلک بررسی شد. نتایج نشان دادند پیش فرض نرمال بودن داده‌ها برای مؤلفه فردی تاب‌آوری در مرحله پیش‌آزمون (گروه ویژه مادر؛ $P=0/28$ و $P=0/93$ آماره آزمون، گروه ویژه کودکان؛ $P=0/74$ و $P=0/96$ آماره آزمون و گروه کنترل؛ $P=0/12$ و $P=0/91$ آماره آزمون)، پس‌آزمون (گروه ویژه مادر؛ $P=0/19$ و $P=0/92$ آماره آزمون، گروه ویژه کودکان؛ $P=0/06$ و $P=0/88$ آماره آزمون و گروه کنترل؛ $P=0/48$ و $P=0/95$ آماره آزمون) و پیگیری (گروه ویژه مادر؛ $P=0/78$ و $P=0/96$ آماره آزمون، گروه ویژه کودکان؛ $P=0/06$ و $P=0/88$ آماره آزمون و گروه کنترل؛ $P=0/77$ و $P=0/96$ آماره آزمون)، برای مؤلفه رابطه با مراقبان تاب‌آوری در مرحله پیش‌آزمون (گروه ویژه مادر؛ $P=0/71$ و $P=0/96$ آماره آزمون، گروه ویژه کودکان؛ $P=0/16$ و $P=0/91$ آماره آزمون و گروه کنترل؛ $P=0/07$ و $P=0/89$ آماره آزمون)، پس‌آزمون (گروه ویژه مادر؛ $P=0/86$ و $P=0/97$ آماره آزمون، گروه ویژه کودکان؛ $P=0/25$ و $P=0/93$ آماره آزمون و گروه کنترل؛ $P=0/30$ و $P=0/93$ آماره آزمون) و پیگیری (گروه ویژه مادر؛ $P=0/12$ و $P=0/91$ آماره آزمون، گروه ویژه کودکان؛ $P=0/12$ و $P=0/91$ آماره آزمون و گروه کنترل؛ $P=0/48$ و $P=0/95$ آماره آزمون) و برای مؤلفه زمینه تاب‌آوری

در مرحله پیش‌آزمون (گروه ویژه مادر؛ $P=0/51$ و $P=0/95$ آماره آزمون، گروه ویژه کودکان؛ $P=0/17$ و $P=0/17$ آماره آزمون و گروه کنترل؛ $P=0/42$ و $P=0/94$ آماره آزمون)، پس‌آزمون (گروه ویژه مادر؛ $P=0/20$ و $P=0/92$ آماره آزمون، گروه ویژه کودکان؛ $P=0/52$ و $P=0/95$ آماره آزمون و گروه کنترل؛ $P=0/25$ و $P=0/93$ آماره آزمون) و پیگیری (گروه ویژه مادر؛ $P=0/21$ و $P=0/92$ آماره آزمون، گروه ویژه کودکان؛ $P=0/15$ و $P=0/91$ آماره آزمون و گروه کنترل؛ $P=0/06$ و $P=0/87$ آماره آزمون) رعایت شده است. همچنین همسانی واریانس‌ها با آزمون لوین بررسی شد که نتایج نشان دادند برای هر سه مؤلفه فرد (پیش‌آزمون؛ $P=0/31$ و $P=1/20$ آماره آزمون، پس‌آزمون؛ $P=0/68$ و $P=0/40$ آماره آزمون و پیگیری؛ $P=0/77$ و $P=0/26$ آماره آزمون)، رابطه با مراقبان (پیش‌آزمون؛ $P=0/06$ و $P=0/22$ آماره آزمون، پس‌آزمون؛ $P=0/08$ و $P=0/12$ آماره آزمون و پیگیری؛ $P=0/19$ و $P=1/75$ آماره آزمون) و زمینه (پیش‌آزمون؛ $P=0/08$ و $P=2/68$ آماره آزمون، پس‌آزمون؛ $P=0/16$ و $P=1/93$ آماره آزمون و پیگیری؛ $P=1/37$ و $P=0/26$ آماره آزمون) رعایت شده است. در جدول ۳ شاخص‌های توصیفی میانگین و انحراف معیار برای هر سه مؤلفه تاب‌آوری به تفکیک گروه‌های پژوهش ارائه شده‌اند.

جدول ۳. شاخص‌های توصیفی متغیرهای پژوهش

Table 3. Descriptive indicators of research variables

متغیر	مرحله آزمون	گروه مداخله ویژه مادر	گروه مداخله ویژه کودک	گروه کنترل		
		میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	انحراف معیار
تاب‌آوری	فرد	پیش‌آزمون	۲۶/۸۷	۶/۶۳	۲۹/۱۳	۶/۳۴
		پس‌آزمون	۳۲/۲۷	۴/۸۲	۳۲/۳۳	۵/۷۶
		پیگیری	۳۲/۰۱	۴/۰۳	۳۳/۳۳	۵/۳۷
رابطه با مراقبان	پیش‌آزمون	۱۸/۶۷	۴/۱۷	۲۰/۴۷	۳/۵۲	۲۰/۲۷
	پس‌آزمون	۲۵/۱۳	۳/۵۶	۲۴/۸۷	۲/۰۳	۲۰/۰۷
	پیگیری	۲۵/۲۰	۲/۹۳	۲۵/۳۳	۱/۹۹	۲۰/۴۷
زمینه	پیش‌آزمون	۲۶/۵۳	۴/۳۴	۲۷/۳۳	۴/۰۱	۲۶/۳۳

۲/۲۵	۲۶/۲۷	۴/۳۲	۲۸/۲۰	۴/۵۶	۲۷/۶۰	پس‌آزمون
۲/۴۱	۲۶/۳۰	۴/۴۷	۲۸/۶۰	۴/۰۹	۲۷/۸۷	پیگیری

($Mauchly's = 0/42$ و $\chi^2 = 35/14$, $P = 0/001$) معنادار است؛ بنابراین، برای این دو مؤلفه از تصحیح گرین‌هاوس - گیسر^۱ در ارائه نتایج استفاده شد. در جدول ۴ نتایج تحلیل واریانس آمیخته برای بررسی اثرات عامل و تعاملی ارائه شده‌اند. نتایج به‌دست‌آمده از جدول ۴ نشان می‌دهند تفاوت مراحل آزمون، عضویت گروهی و تعامل مراحل و گروه برای دو مؤلفه تاب‌آوری (فرد و رابطه با مراقبان) حداقل در سطح $P < 0/05$ معنادار است؛ بنابراین، برای دست‌کم یکی از گروه‌های پژوهش نتایج اثربخشی وجود دارد؛ ولی برای زمینه تاب‌آوری اگرچه برای مراحل آزمون ($F = 8/60$ و $P = 0/003$) تفاوت معناداری وجود دارد، برای تعامل مراحل آزمون با عضویت گروهی که مهم‌ترین منبع تغییرات برای اثربخشی و تفاوت معنادار در نتایج است، معنادار نیست ($F = 2/29$ و $P = 0/10$).

برای بررسی سؤال پژوهش مبنی بر اینکه آیا بین اثربخشی برنامه آموزشی رفتار با کودکان طلاق ویژه مادر و برنامه مداخله ویژه کودکان طلاق بر تاب‌آوری کودکان طلاق تفاوت وجود دارد؟ از آزمون تحلیل واریانس آمیخته استفاده شد. در ابتدا نتایج به‌دست‌آمده بر آزمون ام‌باکس در هر سه مؤلفه فرد ($P = 0/13$ ، $F = 1/68$ و $Box's M = 16/11$)، رابطه با مراقبان ($P = 0/14$ ، $F = 1/73$ و $Box's M = 15/14$) و زمینه ($P = 0/07$ ، $F = 1/64$ و $Box's M = 22/05$) معنادار نبود که حاکی از برقراربودن پیش‌فرض همگنی کواریانس‌ها بود. همچنین، نتایج نشان دادند سطح معناداری به‌دست‌آمده برای آزمون کرویت موجلی برای مؤلفه فرد معنادار نیست ($P = 0/17$ ، $\chi^2 = 3/52$ و $F = 1/11$ ، $Mauchly's = 0/01$)؛ ولی برای رابطه با مراقبان ($P = 0/01$ ، $\chi^2 = 8/41$ و $Mauchly's = 0/81$) و زمینه

جدول ۴. نتایج تحلیل واریانس آمیخته برای مقایسه اثربخشی برنامه آموزشی رفتار با کودکان طلاق ویژه مادر و برنامه مداخله ویژه کودکان طلاق بر تاب‌آوری کودکان طلاق

Table 4. Results of mixed analysis of variance to compare the effectiveness of the mother-child divorce Training program and the child-divorce intervention program on the resiliency of children's divorce mothers

متغیر تاب‌آوری	منبع تغییرات	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	مقدار F	مقدار P	اندازه اثر	توان آزمون
فرد	مراحل آزمون	۲۵۴/۶۴	۲	۱۲۷/۳۲	۷/۸۷	۰/۰۰۱	۰/۱۶	۰/۹۵
	عضویت گروهی	۷۰۸/۹۰	۲	۳۵۴/۴۵	۶/۴۷	۰/۰۰۴	۰/۲۴	۰/۸۸
	تعامل مراحل و گروه	۱۶۹/۰۵	۴	۴۲/۲۶	۲/۶۱	۰/۰۴	۰/۱۱	۰/۷۱
رابطه با مراقبان	مراحل آزمون	۴۱۵/۳۵	۱/۶۹	۲۴۶/۱۷	۴۸/۶۴	۰/۰۰۱	۰/۵۴	۱
	عضویت گروهی	۲۷۸/۹۵	۲	۱۳۹/۴۷	۹/۶۱	۰/۰۰۱	۰/۳۱	۰/۹۷
	تعامل مراحل و گروه	۲۲۴/۷۰	۳/۳۷	۶۶/۵۹	۱۳/۱۶	۰/۰۰۱	۰/۳۸	۱
زمینه	مراحل آزمون	۱۷/۹۷	۱/۲۷	۱۴/۱۶	۸/۶۰	۰/۰۰۳	۰/۱۷	۰/۸۹
	عضویت گروهی	۶۸/۳۳	۲	۳۴/۱۶	۰/۸۴	۰/۴۴	۰/۰۴	۰/۱۸
	تعامل مراحل و گروه	۹/۵۸	۲/۵۴	۳/۷۷	۲/۲۹	۰/۱۰	۰/۱۰	۰/۶۴

($P < 0/05$)؛ ولی بین پس‌آزمون و پیگیری تفاوت معنادار وجود ندارد ($P > 0/05$) که حاکی از پایداری نتایج است. همچنین، نتایج جدول ۵ نشان می‌دهند هر دو

با توجه به اینکه برای مؤلفه زمینه تاب‌آوری فقط منبع تغییرات مراحل آزمون ($F = 8/60$ و $P = 0/003$) معنادار بود، مقایسه زوجی فقط برای مراحل آزمون این متغیر

^۱ Greenhouse-Geisser correction

ارائه شد. نتایج به دست آمده در جدول ۵ نشان می‌دهند مداخله در مقایسه با گروه کنترل برای دو مؤلفه فرد و پس‌آزمون و پیگیری نسبت به پیش‌آزمون تغییرات رابطه با مراقبان اثربخشی معناداری را نشان می‌دهند معناداری برای هر سه مؤلفه تاب‌آوری دارد ($P < 0/05$).

جدول ۵. مقایسه زوجی تفاوت‌های بین گروهی و مراحل آزمون براساس میانگین‌های تعدیل‌شده تاب‌آوری (فرد، رابطه با مراقبان و زمینه)

Table 5. Parallel comparison of intergroup differences and test stages based on adjusted means of resilience (individual, relationship with caregivers and context)

متغیر تاب‌آوری	منبع تغییرات	گروه مبنا	گروه ثانویه	تفاوت میانگین	خطای انحراف معیار	مقدار P
فرد	مرحله آزمون	پیش‌آزمون	پس‌آزمون	-۲/۸۴	۰/۸۳	۰/۰۰۴
			پیگیری	-۲/۹۸	۰/۹۵	۰/۰۱
		پس‌آزمون	پیگیری	-۰/۱۳	۰/۷۴	۱
	گروه	ویژه مادر	ویژه کودک	۱/۲۲	۱/۵۶	۱
			کنترل	۴/۱۳	۱/۵۶	۰/۰۳
		ویژه کودک	کنترل	۵/۳۵	۱/۵۶	۰/۰۰۴
رابطه با مراقبان	مرحله آزمون	پیش‌آزمون	پس‌آزمون	-۳/۵۷	۰/۴۶	۰/۰۰۱
			پیگیری	-۳/۸۷	۰/۵۰	۰/۰۰۱
		پس‌آزمون	پیگیری	-۰/۳۱	۰/۳۳	۱
	گروه	ویژه مادر	ویژه کودک	-۰/۵۶	۰/۸۰	۱
			کنترل	۲/۷۳	۰/۸۰	۰/۰۰۴
		ویژه کودک	کنترل	۳/۲۹	۰/۸۰	۰/۰۰۱
زمینه	مرحله آزمون	پیش‌آزمون	پس‌آزمون	-۰/۶۲	۰/۲۴	۰/۰۵
			پیگیری	-۰/۸۷	۰/۲۶	۰/۰۰۵
		پس‌آزمون	پیگیری	-۰/۲۴	۰/۱۱	۰/۰۸

P<0/05 P<0/01

در جدول ۶ میانگین‌های تعدیل‌شده متغیرها ارائه شده‌اند. با توجه به اینکه تفاوت بین گروهی مؤلفه زمینه تاب‌آوری معنادار نبود، میانگین‌های تعدیل‌شده در جدول ۶ گزارش نشده‌اند.

جدول ۶. میانگین‌های تعدیل‌شده مؤلفه‌های تاب‌آوری (فرد، رابطه با مراقبان و زمینه) برای گروهها و مراحل آزمون

Table 6. Adjusted means of resilience components (individual, relationship with caregivers and context) for groups and test stages

متغیر تاب‌آوری	متغیر	گروه ثانویه	میانگین	انحراف معیار
فرد	گروه	مداخله ویژه مادر	۱۸/۸۰	۰/۶۴
		مداخله ویژه کودک	۱۹/۹۱	۰/۵۲
		کنترل	۱۹/۹۸	۰/۵۱
	آزمون	پیش‌آزمون	۲۷/۴۷	۰/۸۹
		پس‌آزمون	۳۰/۳۱	۰/۷۹
		پیگیری	۳۰/۴۴	۰/۷۲
رابطه با مراقبان	گروه	مداخله ویژه مادر	۲۳	۰/۵۷
		مداخله ویژه کودک	۲۳/۵۷	۰/۵۷
		کنترل	۲۰/۲۷	۰/۵۷
	آزمون	پیش‌آزمون	۱۹/۸۰	۰/۵۰
		پس‌آزمون	۲۳/۳۶	۰/۳۹
		پیگیری	۲۳/۶۷	۰/۳۴

زمینه	آزمون	پیش‌آزمون	۲۶/۷۳	۰/۵۵
		پس‌آزمون	۲۷/۳۶	۰/۵۷
		پیگیری	۲۷/۶۰	۰/۵۶

بحث

هدف پژوهش حاضر، مقایسه اثربخشی برنامه آموزشی رفتار با کودکان طلاق ویژه مادر و برنامه مداخله ویژه کودکان طلاق بر تاب‌آوری کودکان طلاق بود. نتایج نشان دادند اگرچه برنامه آموزشی رفتار با کودکان طلاق ویژه مادر بر مؤلفه زمینه تاب‌آوری اثربخشی معناداری ندارد، بر دو مؤلفه فرد و رابطه با مراقبان اثربخشی معنادار و پایداری دارد. بررسی‌ها نشان می‌دهند پژوهش‌های پیشین به‌صورت مستقیم اثربخشی برنامه آموزشی رفتار با کودکان طلاق ویژه مادر بر تاب‌آوری را بررسی نکرده‌اند؛ با این حال، نتایج برخی از پژوهش‌ها مانند غلامی و همکاران (Gholami et al., 2019)، کلین ولدرمن و همکاران (Klein et al., 2018)، شنهولتز و همکاران (Shanholtz et al., 2017) و مکینتوش و تان (McIntosh & Tan, 2017) بیان‌کننده اثربخشی آموزش به مادران بر بهزیستی و توانایی سازگاری کودکان طلاق است. این پژوهش‌ها تا حدودی از آن نظر هم راستا تلقی می‌شوند که بهبود تاب‌آوری در کودکان طلاق به‌واسطه افزایش سازگاری و بهزیستی است. به‌طور خاص در برنامه آموزشی رفتار با کودکان طلاق ویژه مادر یکی از مؤلفه‌هایی که برای بهبود تاب‌آوری از آن بهره جسته شد، بهبود توانایی سازگاری کودکان طلاق بود. علاوه بر این، نتایج برخی از پژوهش‌ها نشان داده‌اند برخی عوامل مانند عدم سازگاری (Zemp et al., 2018)، اضطراب (Phares, 2020) و احساس گناه (Johnsen et al., 2018; Sorek, 201) از جمله مشکلات پس از طلاق والدین در کودکان هستند که تاب‌آوری کودکان را مختل

می‌کنند. هم‌راستا با این یافته‌ها برنامه آموزشی رفتار با کودکان طلاق ویژه مادر، مداخله‌هایی را در راستای بهبود هر یک از این عوامل مختل‌کننده تاب‌آوری ارائه می‌کند. بر همین اساس، در مداخله ارائه‌شده ابعاد مختلف سازگاری، عوامل مؤثر بر سازگاری کودک با طلاق و راهکارهای افزایش سازگاری بررسی شدند. همچنین، سعی شد با بهبود سبک فرزندپروری، درک نیازهای عاطفی کودک، آموزش حل مسئله و آرامیدگی عضلانی از شدت خشم، احساس گناه و اضطراب کودک، کاسته و بیان نیازهای عاطفی کودک تسهیل شود. در همین راستا در پژوهش قبلی نیز این یافته به دست آمد که آموزش والدین با بهبود مهارت‌های ارتباطی والد با کودک و نیز درک دنیای عاطفی و شناختی کودک به بهبود وضعیت روانشناختی و افزایش توانمندی کودک منجر می‌شود (Klein et al., 2018; Shanholtz et al., 2017). این درحالی است که کاهش کیفیت رابطه و ارائه‌نشدن رفتارهای مراقبت‌کننده و حمایت‌گر از جانب والدین، از جمله عواملی است که به کاهش تاب‌آوری در کودکان طلاق منجر می‌شود (Hutauruk et al., 2018; Karela & Petrogiannis, 2019)؛ بنابراین، در چنین شرایطی ارائه آموزش‌هایی درباره درک نیازهای عاطفی و روانی کودک و تلاش در راستای شناخت عوامل، مانع سازگاری کودک با طلاق والدین که در برنامه آموزشی رفتار با کودکان طلاق ویژه مادر اجرا شد، می‌تواند اثر عوامل خطر منجر به کاهش تاب‌آوری را تقلیل دهد. همچنین، باید توجه کرد تاب‌آوری یک ظرفیت روانشناختی است که تا حدودی به مهارت‌ها و توانمندی‌های فرد بستگی دارد (Masten & Barnes, 2018).

2018)؛ بنابراین، ارائه آموزش‌هایی درباره حل مسئله، سازگاری، تفکر منطقی و مدیریت هیجاناتی مانند خشم و احساس گناه که در برنامه آموزشی رفتار با کودکان طلاق ویژه مادر اجرا شد، بر ظرفیت تاب‌آوری کودکان طلاق افزوده است.

همچنین، یافته‌های پژوهش نشان دادند برنامه مداخله ویژه کودکان طلاق بر دو مؤلفه فرد و رابطه با مراقبان، اثربخشی معنادار و پایداری دارد. اگرچه پژوهش‌های قبلی به صورت مستقیم به بررسی اثربخشی این مداخله بر تاب‌آوری نپرداخته‌اند، نتایج به دست آمده از پژوهش‌های کلین ولدرمن و همکاران (Klein Velderman et al., 2018)، سنکو (Senko, 2016)، عبدی و همکاران (Abdi et al., 2014) و حسینی‌یزدی و همکاران (Hoseini Yazdi et al., 2015) از این نظر که نشان دادند برنامه مداخله ویژه کودکان طلاق اثربخشی معناداری بر کودکان طلاق دارند، نتایج همسویی با پژوهش حاضر مبنی بر اثربخشی مداخله ویژه کودکان طلاق بر دو مؤلفه فرد و رابطه با مراقبان در کودکان طلاق را نشان می‌دهند. در تبیین اثربخش نتایج به دست آمده بر دو مورد اساسی در مداخله ویژه کودکان طلاق دنبال تأکید کرد؛ اول تلاش برای ایجاد یک محیط امن و حمایتگر بود. در همین راستا در جلسات مداخله سعی شد با پذیرش احساس و دیدگاه کودکان طلاق، محیط امن و باثباتی برای کودکان ایجاد شود و با تسهیل ابراز احساس‌ها و تجارب کودکان به ویژه درباره طلاق و ارائه بازخورد مبتنی بر پذیرش، ارائه راه حل برای برخی مشکلات و تأکید بر خارج از کنترل بودن برخی مشکلات از دایره اختیارات کودک، حمایتگری صورت گیرد. در پژوهش پیشین نیز نشان داده شد که دریافت حمایت از محیط از جمله عوامل مؤثر در ارتقای تاب‌آوری است (Eskandari et al., 2019; Costa et al., 2017). دوم

اینکه مداخله ویژه کودکان طلاق در راستای مهارت‌آموزی به کودکان طلاق برای افزایش توانمندی در مقابله با پیامدهای طلاق اقدام می‌کند. بر همین اساس، سعی شد مهارت‌های مانند حل مسئله، شناخت نقاط قوت و بهبود رابطه والد - کودک با استفاده از ایفای نقش برای کودکان آموزش داده شود. در همین رابطه، حمایت پژوهشی وجود دارد که آموزش مهارت‌هایی مانند حل مسئله می‌تواند زمینه‌ساز ارتقای تاب‌آوری در کودکان شود (Mohammadinia et al., 2019; Pasyar et al., 2018)؛ بنابراین، در مجموع ارائه و فراهم کردن یک محیط حمایت‌گر همراه با آموزش مهارت‌های اساسی در مداخله ویژه کودکان طلاق توانست به بهبود تاب‌آوری در زمینه فردی و رابطه با مراقب منجر شود. آموزش مهارت‌ها و درک و پذیرش احساس کودکان تبیین اصلی برای افزایش مؤلفه فردی و آموزش مهارت‌هایی مانند حل مسئله و بهبود رابطه والد - کودک مبتنی بر ایفای نقش تبیینی برای افزایش تاب‌آوری در زمینه رابطه با مراقب تلقی می‌شود.

همچنین، یک بخش از نتایج بیان‌کننده این بود که اگرچه مؤلفه زمینه تاب‌آوری در پس‌آزمون و پیگیری نسبت به مرحله پیش‌آزمون افزایش معناداری را نشان داد، تفاوت بین گروهی آن معنادار نبود. با توجه به اینکه مؤلفه زمینه تاب‌آوری در مواردی مانند تحصیلی، مذهبی و اجتماعی مطرح است (Ungar & Liebenberg, 2009)، ممکن است در هر یک از این زمینه‌ها عوامل مداخله بیرونی مانند مدرسه یا حمایت‌های مذهبی و اجتماعی به تغییر در نتایج گروهها منجر شده باشد. همچنین، باید متذکر شد مداخله‌های طراحی شده به صورت مستقیم مداخله‌ای برای بهبود کودکان در زمینه مذهبی و اجتماعی ارائه نکردند که می‌تواند تبیینی برای معنادار نبودن تفاوت بین گروهی در این مورد باشد. همچنین، نتایج نشان

دادند بین اثربخشی دو مداخله تفاوت معناداری وجود ندارد. با توجه به اینکه هر دو مداخله تا حدودی با مهارت‌آموزی و حمایت‌گری سعی در بهبود تاب‌آوری کودکان طلاق دارند، پذیرش عدم تفاوت معنادار در اثربخشی آنها توجیه‌پذیر است.

در مجموع، تاب‌آوری از جمله ظرفیت‌ها و توانمندی‌هایی است که از کودکان در قبال رویدادهای مخاطره‌آمیزی مانند طلاق محافظت می‌کند. در پژوهش‌های پیشین اگرچه اثربخشی برنامه آموزشی رفتار با کودکان طلاق ویژه مادر و برنامه مداخله ویژه کودکان طلاق بررسی شده‌اند، به بررسی اثربخشی هر کدام از این مداخله‌ها بر تاب‌آوری کودکان طلاق نپرداخته‌اند و همچنین، به مقایسه اثربخشی این دو مداخله برای شناسایی مداخله اثربخش‌تر توجه نداشته‌اند. در همین راستا پژوهش حاضر نشان داد هر دو مداخله برنامه آموزشی رفتار با کودکان طلاق ویژه مادر و برنامه مداخله ویژه کودکان طلاق بر بهبود مؤلفه‌های فردی و رابطه با مراقب متغیر تاب‌آوری اثربخش است و تفاوت معناداری بین اثربخشی آنها وجود ندارد. این یافته تا حدودی نشان داد حضور کودک یا مادر در مداخله نمی‌تواند تفاوت معناداری در مداخله برای بهبود تاب‌آوری ایجاد کند؛ بنابراین، متخصصان این حوزه براساس گرایش و تخصص خود می‌توانند با مشارکت مادر یا کودکان طلاق برای بهبود تاب‌آوری کودکان طلاق اقدام کنند. همچنین، نتایج به‌دست‌آمده نشان می‌دهند برنامه مداخله‌ای ارائه‌شده از غلامی و همکاران (Gholami et al., 2019) اثربخشی معناداری در مقایسه با مداخله دیگر دارد؛ بنابراین، استفاده از آن می‌تواند شایان توجه متخصصان و پژوهشگران این حوزه قرار گیرد؛ البته باید توجه کرد نتایج به‌دست‌آمده در پژوهش حاضر محدود به کودکان طلاق‌اند و برای دیگر جمعیت کودکان

تعمیم‌پذیر نیست. همچنین، پژوهش حاضر با این محدودیت نیز روبه‌رو بود که نمونه‌گیری آن به‌صورت دردسترس بود و امکان نمونه‌گیری تصادفی با توجه به شیوع کووید - ۱۹ و عدم تمایل و دسترسی یکسان به جامعه مطالعه‌شده، مقدور نبود. با توجه به اینکه پاسخگویی به پرسشنامه تاب‌آوری استفاده‌شده در پژوهش حاضر نیازمند پاسخگویی مادران بود، عدم امکان گمارش کودکان در گروه کنترل برای مقایسه نمرات گروه آزمایش کودکان با آنها، دیگر محدودیت پژوهش حاضر بود؛ بنابراین، پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های مشابه آتی، اثربخشی این مداخله‌ها مجدداً بررسی شود تا اعتبار و پایداری نتایج به دست آید.

منابع

- اسکندری، ا؛ جلالی، ا؛ موسوی، م. و اکرمی، ن. (۱۳۹۸). پیش‌بینی تاب‌آوری روانشناختی براساس حمایت اجتماعی و سبک دلبستگی با میانجی‌گری خودکارآمدی و معنادر زندگی. *پژوهشنامه روانشناسی مثبت*، ۵(۲)، ۱۷-۳۰.
- پاسیار، س.، و موسوی، س.، و رضایی، س. (۱۳۹۷). پیش‌بینی تاب‌آوری کودکان کار براساس راهبردهای کنارآمدن با تنیدگی و سبک‌های دلبستگی. *سلامت روان کودک (روان کودک)*، ۵(۴)، ۱-۱۲.
- حسینی یزدی، ع؛ مشهدی، ع؛ کیمایی، ع. و عاطمی، ز. (۱۳۹۴). اثربخشی برنامه مداخله‌ای ویژه کودکان طلاق بر مشکلات برونی‌سازی و درونی‌سازی شده کودکان طلاق. *روانشناسی خانواده*، ۲(۱)، ۱۴-۳.
- زمانی زارچی، م. ص؛ غلامعلی لواسانی، م؛ اژه‌ای، ج؛ حسین‌زاده اسکویی، ع. و صمدی کاشان، س. (۱۳۹۷). مطالعه پدیدارشناسانه تجارب هیجانی و

- Costa, A. L. S., Heitkemper, M. M., Alencar, G. P., Damiani, L. P., da Silva, R. M., & Jarrett, M. E. (2017). Social support is a predictor of lower stress and higher quality of life and resilience in Brazilian patients with colorectal cancer. *Cancer nursing*, 40(5), 352-360.
- Eskandari, E., Jalali, A., Moosavi, M., & Akrami, N. (2019). Predicting Psychological Resilience based on Social Support and Attachment Style mediated by Self-efficacy and Meaning in Life. *Positive Psychology Research*, 5(2), 17-30. (In Persian)
- Gholami, A., Rashid, K., & Yarmohamadi Vassel, M. (2019). Formulation of training protocol for treating with children of divorce for mothers and its effect on the mothers' behavior. *Knowledge & Research in Applied Psychology*, 20(3), 44-54. (In Persian)
- Hermansyah, M. T. (2019). Relationship between self-compassion and resilience among adolescents whose parents are divorced. *Sciences*, 5(2), 162-169.
- Hoseini Yazdi, S. A. H., Mashhadi, A., Kimiaee, S. A., & Asemi, Z. (2015). Effectiveness of Children of Divorce Intervention Program (CODIP) on externalized and internalized problems in children of divorce. *Family Psychology*, 2(1), 3-14. (In Persian)
- Hutauruk, F., Ahmad, R., & Bentri, A. (2019). Children resilience in dealing with parental divorce based on the ability to regulate emotions and optimism. *International Journal of Research in Counseling and Education*, 4(1), 9-14.
- Johnsen, I. O., Litland, A. S., & Hallström, I. K. (2018). Living in Two Worlds—Children's Experiences After Their Parents' Divorce—A Qualitative Study. *Journal of pediatric nursing*, 43, 44-51.
- Karela, C., & Petrogiannis, K. (2018). Risk and resilience factors of divorce and young children's emotional well-being in Greece: a correlational study. *Journal of Educational and Developmental Psychology*, 8(2), 68-81.
- Kazeruni Zand, b., Shamloo, Z. & Mirzaeian, b. (2013). *Psychometric properties of child-adolescent resilience scale-28 in Iranian population: validity and reliability*. Master Thesis, Department of Psychology, Faculty
- ذهنی فرزندان طلاق. پژوهش در سلامت روانشناختی، ۱۲ (۱)، ۳۹-۵۴.
- صدری دمیرچی، ا؛ منصوری، ب؛ خدائی خیاوی، س. (۱۳۹۶). مقایسه خودشناسی انسجامی و ناگویی خلقی در بین دانش آموزان پسر عادی و طلاق. *مطالعات روانشناختی*، ۱۳ (۴)، ۷۷-۹۲.
- عبدی، م؛ پورابراهیم، ت. و نظری، م.ع. (۱۳۹۲). تأثیر برنامه مداخله‌ای کودکان طلاق بر میزان سازگاری آنها با طلاق والدینشان. *خانواده‌پژوهی*، ۹ (۳)، ۳۴۳-۳۵۸.
- غلامی، ا؛ رشید، خ. و یارمحمدی، م. (۱۳۹۸). تدوین پروتکل آموزشی رفتار با کودکان طلاق به مادرانشان و اثر آن بر رفتار مادران. *دانش و پژوهش در روانشناسی کاربردی*، ۲۰ (۳)، ۴۴-۵۴.
- کازرونی زند، ب؛ شاملو، ز. و میرزائی، ب. (۱۳۹۲). بررسی ویژگی‌های روانسنجی مقیاس تاب‌آوری کودک و نوجوان-۲۸ در جمعیت ایرانی: روایی و پایایی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، گروه روانشناسی، دانشکده علوم پزشکی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساری.
- یحیی‌زاده، ح. و حامد، م. (۱۳۹۴). مسائل فرزندان طلاق در ایران و مداخلات مربوطه: فراتحلیل مقالات موجود. *مطالعات زن و خانواده*، ۳ (۲)، ۹۱-۱۲۰.

References

- Abalos, J. B. (2017). Divorce and separation in the Philippines: Trends and correlates. *Demographic Research*, 36, 1515-1548.
- Abdi, M., Porebrahim, T., & Nazari, A. (2014). Effectiveness of Children of Divorce Intervention Program on Children's Adjustment with their Parental Divorce. *Journal of Family Research*, 9(3), 343-358. (In Persian)
- Afroz, S. (2019). The Rise of Divorce in Bangladesh: A Review in the Change of Marriage Dynamics. *Soc Sci*, 8, 261-269.

- Labour Children based on Coping Strategies with Stress and Attachment Styles. *Quarterly Journal of Child Mental Health*, 5(4), 1-12.
- Pedro-Carroll, J. (2008). The Children of Divorce Intervention Program: Fostering Children's Resilience through Group Support and Skill-Building Procedures for Facilitating. *Handbook of evidence-based treatment manuals for children and adolescents*, 314-337.
- Pedro-Carroll, J. L., & Cowen, E. L. (1985). The Children of Divorce Intervention Program: An investigation of the efficacy of a school-based prevention program. *Journal of consulting and Clinical Psychology*, 53(5), 603-611.
- Phares, V. (2020). Using Memoirs and Autobiographies to Enhance the Teaching of Abnormal Child Psychology. *Psychology Learning & Teaching*, 19(3), 239-257.
- Queen, J. P., Quinn, G. P., & Keough, M. J. (2002). *Experimental design and data analysis for biologists*. Cambridge university press.
- Sadri Damirchi, E., Mansoori, B., & Khodayi Khiyavi, S. (2018). Comparison of e Coherence Self-knowleg and Alexithymia in Normal and Divorce Male Students. *Journal of Psychological Studies*, 13(4), 77-92. (In Persian)
- Saraswati, K., & Suleeman, J. (2018, July). Resilience and Friendship Quality among Late Adolescents from Intact, Divorced, and Remarried Families. In *Universitas Indonesia International Psychology Symposium for Undergraduate Research (UIPSUR 2017)* (pp. 323-329). Atlantis Press.
- Senko, L. (2016). *What do the children have to say?: children's perceptions of the children of divorce intervention program* (Doctoral dissertation, Rutgers University-Graduate School of Education).
- Shanholtz, C. E., Messer, D., Davidson, R. D., Randall, A. K., & Horan, J. J. (2017). A randomized clinical trial of online stress inoculation for adult children of divorce. *Journal of Divorce & Remarriage*, 58(8), 599-613.
- Sorek, Y. (2019). Children of divorce evaluate their quality of life: The moderating effect of psychological processes. *Children and Youth Services Review*, 107, 104533.
- of Medical Sciences, Islamic Azad University, Sari Branch. (In Persian)
- Klein Velderman, M., Pannebakker, F. D., van Vliet, W., & Reijneveld, S. A. (2018). Prevention of divorce-related problems in Dutch 4-to 8-year-olds: Cultural adaptation and pilot study of the children of divorce intervention program. *Research on Social Work Practice*, 28(4), 415-427.
- Luthar, S. S., & Eisenberg, N. (2017). Resilient adaptation among at-risk children: Harnessing science toward maximizing salutary environments. *Child development*, 88(2), 337-349.
- Masten, A. S., & Barnes, A. J. (2018). Resilience in children: Developmental perspectives. *Children*, 5(7), 98-114.
- McIntosh, J. E., & Tan, E. S. (2017). Young Children in Divorce and Separation: Pilot Study of a Mediation-Based Co-Parenting Intervention. *Family Court Review*, 55(3), 329-344.
- Mekonnen, Y., Kassa, K., & Ayalew, M. (2019). Prevalence, causes and consequences of divorce in Bahir Dar city, Ethiopia. *African Journal of Social Work*, 9(1), 24-36.
- Mohammadinia, L., Khorasani-Zavareh, D., Ebadi, A., Malekafzali, H., Ardalan, A., & Fazel, M. (2018). Characteristics and components of children's and adolescents' resilience in disasters in Iran: a qualitative study. *International journal of qualitative studies on health and well-being*, 13(sup1), 1479584.
- Motataianu, I. R. (2015). The relation between anger and emotional synchronization in children from divorced families. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 203, 158-162.
- Nunes-Costa, R. A., Lamela, D. J., & Figueiredo, B. F. (2009). Psychosocial adjustment and physical health in children of divorce. *Jornal de Pediatria*, 85(5), 385-396.
- Odey, G. A., & Ubi, G. M. (2020). Analysis of Divorce among Women And Its' Effect on Children Academic Achievement In Calabar South Local Government Area of Cross River State. *International Journal of Innovative Psychology & Social Development*, 8(4):39-43.
- Pasyar, S., Mousavi, S. V., & Rezaei, S. (2019). Prediction of the Resiliency of

- psychopharmacological trials. *Psychiatry research*, 152(2-3), 293-297.
- Zamani-Zarchi, M. S., Gholamali Lavasani, M., Ejei, J., Hosseinzadeh Oskouei, A., & Samadi Kashan, S. (2018). A phenomenological study of emotional and subjective experiences of children of divorce. *JRPH*, 12(1), 24-36. (In Persian)
- Zemp, M., Johnson, M. D., & Bodenmann, G. (2018). Within-family processes: Interparental and coparenting conflict and child adjustment. *Journal of Family Psychology*, 32(3), 1-35.
- Yahyazadeh, H., & Hamed, M. (2016). Issues and Interventions of Children of Divorce in Iran: A Meta-analysis of Articles. *Journal of Woman and Family Studies*, 3(2), 91-120. (In Persian)
- Tahirović, S., & Demir, G. (2017). Influence of Parental Divorce on Anxiety Level of Adolescents. In *Contemporary Perspective on Child Psychology and Education*. Intech Open.
- Theiss, J. A. (2018). Family communication and resilience. *Journal of Applied Communication Research*, 46(1), 10-13.
- Ungar, M., & Liebenberg, L. (2009). Cross-cultural consultation leading to the development of a valid measure of youth resilience: the international resilience project. *Studia psychologica*, 51(2-3), 259-268.
- Vaishnavi, S., Connor, K., & Davidson, J. R. (2007). An abbreviated version of the Connor-Davidson Resilience Scale (CD-RISC), the CD-RISC2: Psychometric properties and applications in